



شیوه‌های مؤثر در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم در رفع شبهات دانشجویی

علی جاوید، امیرعلی کتابی^۲

۳

دوره ۱، شماره ۳، پیاپی ۳
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۱/۲۰

صص: ۶۹-۴۱

شماره الکترونیکی: ۳۱۱۵-۸۸۶۲



چکیده
شبهه یعنی شباهت دویا چند چیز به یکدیگر، به مناسبتی در شکل و صورت یا معنا، به نوعی که تمییز یکی از دیگری گاهی مشکل است بکار رفته است. از اصلی‌ترین معضلات هر جامعه، آن باورهای باطلی است که به عنوان عقاید و باور، با ذهن و روح انسان‌ها در ارتباطند و صورت حق، به خود گرفته و مؤمنان را به اشتباه می‌افکنند و در تحولات روحی و ذهنی مردم اثر گذاشته، اگر درست و به‌موقع شناخته شوند و منشأ ایجاد آنها دانسته شود، آسان‌تر رفع می‌شوند. زیرا شبهه، خطرناک‌ترین دشمن اعتقاد و باور انسان است وقتی در ذهن راه یافت، بنای عقیده و باور، فرو می‌ریزد. تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که «شیوه‌های مؤثر در رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب، چگونه عملیاتی می‌شود؟ بیانیه گام دوم نیز حاوی پاسخ‌گویی نظری و عملی به شبهات است که اسلام برای رفع شبهه، هیچگاه به پاسخ‌دهی نظری بسنده نمی‌کند بلکه افزون بر استفاده از عناصر حجت، همواره ارتباطی فراتر از پاسخ نظری را نه تنها در رفتار، بلکه در گفتار نیز سامان می‌دهد. تا افزون بر تبیین مغالطه و خطای موارد شبهه، شبهه دفع و رفع گردد. پژوهش حاضر با هدف نگاشت راه برون رفت از شبهات و چالش‌های آن و طراحی یک مدل، برای تشریح چگونگی عملیاتی شدن شیوه‌های مؤثر در رفع شبهات، با موارد شبهه، جهت ضمانت و سلامت ذهنی دانشجویان و افکار عمومی انجام شده است تا علاوه بر استنتاج از آیات قرآن در جهت کشف انواع شیوه‌های اثرگذار در رفع موارد شبهه، الگویی عملی برای رفع شبهات ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: شبهه، بینش، گرایش، کنش، شبهات دانشجویی، بیانیه گام دوم.

DOI: 10.22034/syssir.2026.2085940.1017

استناد: جاوید، علی؛ کتابی، امیرعلی (۱۴۰۴). شیوه‌های مؤثر در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم در رفع شبهات دانشجویی، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۶۹-۴۱.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه آموزشی معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه فرهنگیان، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)
javid1358.ali@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

اهمیت اصل ارتباط در مواجهه با شخص مبتلای به شبهه، هنگامی آشکار می‌شود که حامل یا پدیدآورنده شبهه به‌رغم دریافت عناصر حجت و حتی اذعان به آن، بر باطل خود پافشاری کرده و تلاش می‌کند دیگران را نیز به شبهه خود مبتلا سازد. در چنین وضعیتی، نمی‌توان صرفاً به ارائه پاسخ علمی و برهانی بسنده کرد. و از پرداختن به مولد و اشاعه دهنده شبهه غفلت کرد. از این رو، تدارک ارتباطی، فراتر از ارائه پاسخ، لازم است. ضمن آنکه ایجاد ارتباط مناسب، ناظرین را نیز متنبه می‌نماید. تأمل و تحلیل گزاره‌های اسلام و قرآن از وجود ارتباط معناداری میان نحوه ارتباط و مؤلفه‌های شخصیتی و رفتاری شبهه‌گران و حاملان شبهه، حکایت می‌کند.

قرآن کریم با تحلیل ویژگی‌های شخصیتی شبهه‌گر، درصد بیان عوامل پذیرش شبهه برآمده و با هدف اثرگذاری، بر روی شخصیت شبهه‌گر و همه کسانی که در معرض اثرپذیری از وی هستند به دفع بنیادی شبهه می‌پردازد (برنج‌کار، ۱۳۹۱: ۲۶). بنابراین، توجه به ارزش‌های دینی در جامعه و تقویت باورهای دینی جوانان، از نیازهایی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا دین اسلام، با شناساندن مبدأ، مقصد و هدف زندگی، الگوی رفتاری خاصی را برای پیمودن مسیر زندگی به انسان می‌دهد و به زندگی معنا می‌بخشد. فطرت پاک و روح لطیف، جوان را برای هر نوع آموختن و پذیرش بهتر سخن حق، آماده می‌سازد؛ زیرا دین اسلام، بهترین پناه گاهی است که با ارائه جهان بینی صحیح، می‌تواند جوان و دانشجو را در غلبه بر شبهات، نوامیدی، سرخوردگی و خروج از حیرت و سرگشتگی یاری کند. از این رو تقویت باورهای دینی جوانان و دانشجویان، و رفع شبهات آنها در مسائل گوناگون، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا اعتقاد و باور درست به دین اسلام، قرآن و ولایت، نقش مهمی در مصونیت آنان در مقابل این هجمه‌ها و شبهات، و تأمین یک زندگی سالم دارند. معرفی و ارائه الگوهای شایسته به دانشجویان، نوجوانان و جوانان، بسیار لازم است.

این مقاله می‌کوشد تا شبهه‌های مؤثر در رفع شبهات دانشجویی را در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم انقلاب، به تصویر بکشد. تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها، توصیفی و نوع روش، اکتشافی است که اطلاعات لازم، گردآوری و از منابع موجود در کتابخانه‌ها، نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شناخت اصل و ریشه هر رویداد، به فهم آن کمک شایانی می‌کند.

در این مقاله جهت رفع شبهات، در ابعاد بینشی مانند اعطای بینش دشمن‌شناسی، خدامحوری، ولایت‌مداری و در بعد گرایشی همانند الگودهی، مکلف و آزادی و مختاربودن اندیشه انسان و در بعد کنشی مثل زمینه‌سازی، انذار و تبشیر در جهت تبیین کارکردهای دین، تشویق و تنبیه در امورات مختلف، ارتباط و گستره آن در جهت خط انتقال معرفت به افراد شبهه‌گر و شبهه‌پذیر، بحث و گفتگو و مسائل مربوط به آن ارائه، ترسیم و تبیین شد. همچنین به مهم‌ترین چالش‌های آن در این زمینه از جمله؛ تهاجم فرهنگی در تقابل با معنویات، حاکم شدن منطق سودپرستی و ثروت‌اندوزی و سبک‌زندگی غربی، مدیریت افکار عمومی در درون بدنه جامعه هدف توسط جنگ‌نرم دشمن، غفلت از تفکر اسلامی در بعد اقتصادی و اتخاذ رویکرد لیبرالیستی به سمت اشرافی‌گری، پرداخته شد. بنابراین، فقدان تبعیت مردم از دشمن در فضای سبک‌زندگی شخصی، اجتماعی، دانشگاهی، سیاسی و حتی زندگی آنها در فضاها و سکوه‌های مجازی و اینترنتی، ارتباط مستقیمی با تفکرات و نوع عملکرد مسئولین، در اداره کشور خواهد داشت؛ چراکه آنچه مورد غفلت واقع شده، بی‌توجهی بسیاری از مسئولین به مسائل اصیل دینی و ارزش‌های خدایی، قرآنی، اسلامی و اهل‌بیتی مانند حجاب و امثال آن است که اگر خود مسئولین، شبهه و شبهات به دین و نظام مقدس و ارزش‌های الهی وارد نکنند به فهم شبهات و حل کردن آنها، کمک شایانی خواهد شد. چون شناخت اصل و ریشه هر رویداد، به فهم آن کمک شایانی می‌کند.

چگونگی طراحی نظری عملیاتی شدن رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب

برای ساختن الگویی، می‌توان به دو شیوه متفاوت استقرایی و قیاسی یا تلفیقی از هر دو، عمل کرد. در ابتدا می‌توان از تدوین فرضیه‌ها شروع و در مرحله بعد، به مفاهیم پرداخت. یا اینکه راه معکوسی را طی کرد. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۳) با توجه به اینکه نگارندگان رویکرد قیاسی (حرکت از کل به جزء) را در این نوشتار انتخاب نموده‌اند، در این راستا روش قیاسی عبارت است از: ساختن مدلی بر مبنای یک اصل موضوع یا مفهوم کلی که به‌عنوان پیش‌فرض تفسیر پدیده موضوع تحقیق انتخاب شده است، آغاز می‌شود. این مدل با استدلال منطقی، شاخص‌ها را می‌سازد که داده‌های مشاهده، باید آنها را تأیید کند.

در روش فرضی، قیاسی ساختن مدل، با مشاهده شروع می‌شود. شاخص، سرشتی ترکیبی دارد. بر مبنای شاخص، می‌توان مفاهیم نظری و فرضیه‌های تازه‌ای تدوین کرد و بر مبنای آنها، مدل را ساخت و آن را با داده‌های واقعی آزمود. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۳)

در این الگو، نگارندگان بعد از تعریف موضوع و محمول قضیه (مفاهیم نظری)، به صورت سنجی یکی از مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد را ترسیم و بعد از آن شاخص‌های مؤلفه‌ها را تشریح می‌کنند. بنابراین، برای تحقق مدل، سه متغیر «بینشی، گرایشی و کنشی» به‌عنوان پایه‌های نظری شیوه‌های مؤثر در الگوی رفع شبهات دانشجویی در عملیاتی‌سازی بیانیه گام دوم انقلاب، مبنای قرار گرفته است. به لحاظ بینشی، مؤلفه‌های اعطای بینش دشمن‌شناسی، خدامحوری، ولایت‌مداری و از لحاظ گرایشی، مؤلفه‌های الگودهی، مکلف و آزادی و مختار بودن اندیشه انسان و خلیفه‌اللهی بودن و از لحاظ کنشی یا رفتاری، زمینه‌سازی، انذار و تبشیر در جهت تبیین کارکردهای دین، تشویق و تنبیه در امورات مختلف، ارتباط و گستره آن در جهت خط انتقال معرفت به افراد شبهه‌گر و شبهه‌پذیر، تشریح و تبیین می‌گردد.

الف) بعد بینشی: منظور از بعد بینشی، شناسایی مسئله در بعد بصیرت، آگاهی، شناخت عقاید و باورهاست. بنابراین، باورهای ما باعث شکل‌گیری نگرش و گرایش ما نسبت به یک موضوع می‌گردند. ب) بعد گرایشی: ارزیابی عمومی از یک رفتار یا یک واقعیت یا یک پدیده است که انسان به برخی اعمال و بعضی پدیده‌ها می‌دهد و برای آن در زندگی، ارزش و جایگاه خاصی قائل است. بنابراین میل، رغبت و انگیزش به بعد گرایش انسان، ارتباط دارد.

ج) بعد رفتاری: در این بعد، مسئله رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب، در حوزه عمل و رفتار بررسی می‌شود که دو عامل اساسی «بینش و گرایش» سبب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود.

ارائه مصداقی رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب

بعد از طرح نظری عملیاتی شدن رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب، نیازمند ارائه عینی و عملیاتی از رفع شبهات دانشجویی هستیم. در این راستا، ارائه رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب را بر مبنای سه مؤلفه و شیوه‌های بعد بینشی، گرایشی و کنشی (رفتاری) تشریح خواهیم کرد.

۱. مؤلفه‌ها و شیوه‌های مؤثر بُعد بینشی در بیانیه گام دوم در رفع شبهات

منابع اسلامی، جهان بینی را دوگونه می‌دانند: الهی و مادی. تفاوت این دو بینش، از اعتقاد به خدا برمی‌خیزد. در بینش الهی، انسان خدامحور، جهان آفرینش را قائم به خود نمی‌انگارد و بر آن است که هرچیز را در جهان، حکمت و تدبیری است و انسان، موجودی مسئول است و روزی باید برای آنچه کرده، بازخواست شود. در برابر، بینش مادی، بنیان جهان را، بر ماده می‌گذارد و انسان، هیچ مسئولیتی در برابر آموزه‌های دینی و فرمان‌های الهی ندارد. (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۸ - ۵۶) بنابراین، گفتمان پاسخ به شبهات دینی، و ارائه گفتمان و پاسخ درست فکری و فرهنگی، بر مبنای اسلام ناب محمدی | و اهل بیت (ع)، در این زمینه لازم است و باید در این خصوص، با بینش صحیح دینی جواب داد. در این راستا بینش صحیح این است که باید ابتدا خود را شناخت و با شناخت وجود خود، شناخت خداوند قوی‌تر صورت می‌گیرد. در این قسمت، مؤلفه‌ها و شیوه‌های مؤثر معنوی و اعتقادی برای رفع شبهات، مفید است، که مورد بررسی و ترسیم می‌شود.

بُعد بینشی در بیانیه گام دوم در رفع شبهات دارای شیوه‌ها و مؤلفه‌هایی، به شرح زیر است:

مفهوم	ابعاد	شیوه‌های مؤثر (مؤلفه‌ها)
شبهه (موارد و اصحاب شبهه) و رفع آنها در بیانیه گام دوم انقلاب	- بینشی، اعتقادی، باوری	۱. اعطاء بینش در جهت دشمن‌شناسی
	- خدا محوری، توحیدمحوری - خدا باوری و خدا گرایی - ایمان و باور به آیات الهی - ایمان به ارزش‌های اسلامی	۲. خدامحوری
	- شناخت و باورمندی به جایگاه ولایت - معتقد به دفاع از ولایت - اطاعت از ولایت	۳. ولایت‌مداری (حکومت شایستگان و صالحان)

یک. اعطای بینش در جهت دشمن‌شناسی: در اعطای بینش صحیح به دانشجو، توجه به زمان و فرهنگ جامعه و سن مخاطب، بسیار مهم است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: لا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلٰی آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳: ج ۲۰، ۲۶۷). فرزندانان را، بر آداب

خود تربیت نکنید؛ چراکه آنها برای [آینده و] زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. والدینی که به تربیت باورهای دینی فرزندان خود، اهمیاتی ندارند و فقط به تأمین امور مادی آنان می اندیشند، از نظر پیامبر اکرم (ص) منفور هستند؛ چنان‌که در روایتی آمده است: رسول اکرم (ص) به بعضی کودکان نظر افکند و فرمود: *وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ قَقِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْقِرَائِصِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَعَهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضِ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.* (شعیری، ۱۳۹۲: ۱۰۶). وای به فرزندان آخرالزمان، به جهت [بی‌توجهی و] روش ناپسند پدرانشان! عرض شد: ای رسول خدا! آیا پدران آنها مشرک هستند؟ فرمودند: نه؛ بلکه از پدران مسلمان آنان، که هیچ‌یک از واجبات احکام دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و هرگاه فرزندانشان درصدد تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می‌دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند. من از این قبیل مردم، بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

از آنجاکه دشمنان اسلام، آثار رشد دینی را در جامعه اسلامی مشاهده کرده، برای سلطه خود، احساس خطر کرده‌اند، تضعیف باورهای دینی جوانان را هدف قرار داده‌اند و سال‌هاست که تلاش گسترده‌ای را در این مسیر آغاز نموده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز بارها این امر را مورد تأکید قرار داده و به جایگاه و ابعاد جنگ نرم دشمن پرداخته است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۱۰: پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد)

برای نمونه، اگر رابرت مرداک؛ صهیونیست سرمایه‌دار و اسلام‌ستیز که دشمنی خود را با اسلام، بارها آشکار کرده و هدایت‌کننده بخش بسیاری از شبکه‌های پرمخاطب ماهواره‌ای است، که اگر به‌درستی به نسل نو و جوان و دانشجو، معرفی شود، نوع نگاه مردم به این شبکه‌ها تغییر می‌یابد. امروزه، دشمن در خانواده‌ها، نفوذ گسترده‌ای یافته است.

نمونه‌ای از این نفوذ، حضور ماهواره‌ها در درون خانه‌هاست که مانند مهمانی پُر رفت‌وآمد در دل فرزندان و اعضای خانواده، جا باز کرده، گوش به فرمان اویند. خرید ماهواره برای منزل، مانند این است که شما، یک فرد بسیار خوش‌سخن، جذاب، شوخ‌طبع و برخوردار از توانایی بالایی تأثیر، اما فاسد و منحرف را به منزل خود دعوت کنید که ماه‌ها یا سال‌ها با اعضای خانواده شما، زندگی کند و با آنها حشر و نشر داشته باشد. هم‌اکنون انبوهی از فیلم‌ها و سریال‌ها، امور خرافی و موهوم از قبیل: جادوگری، کهنات، پیشگویی و ارتباط با ارواح را به‌گونه‌ای پُررنگ مطرح می‌کنند و خواسته یا

ناخواسته، امور وحیانی را هم‌ردیف آنها قرار می‌دهند. این شبکه‌ها از یک‌سو، اعتقادات، تفکرات و باورهای دینی فرزندان ما را نشانه گرفته‌اند و بر نوع اندیشه و جهان‌بینی آنها، اثر سوء می‌گذارند و از دیگرسو، گرایش‌ها و امیال جوان و دانشجو را، به‌سوی لذات مادی و حیوانی سوق می‌دهند و در پی آن، عقاید، باور، تفکر، اندیشه، رفتار و عادات آنها را، براساس این نوع فکر و گرایش، هدایت می‌کنند. در موارد متعددی در خلال انواع برنامه‌های خود، با بی‌اعتنایی عملی به آموزه‌های دینی، جرئت گناه را در جوان، نوجوان و دانشجو تقویت می‌کنند؛ فساد جنسی را ترویج می‌کنند؛ برای پسران، دوست دختر نداشتن و برای دختران، دوست پسر نداشتن را عیب، ضعف و نشانه عقب‌ماندگی جلوه می‌دهند و با شکستن قبح گناه، تکرار آن و عادی جلوه دادن آن، عقاید، تفکرات و اندیشه‌ها و باورهای جوان، نوجوان و دانشجو را متزلزل می‌سازند.

خرافه‌انگاری که توسط ابزارهای تبلیغی دشمنان، القاء می‌شود، بر دو نوع است: گاهی اصل دین را، خرافه تلقی می‌کنند و گاهی آموزه‌های خاص را، مانند: حجاب، عزاداری، زیارت مشاهد مشرفه، یا عبادتی خاص را. امروزه، آنچه بیشتر شیوع دارد، خرافه‌انگاری بخشی از دین است که زمینه‌ساز نگاه منفی به کل دین می‌شود. نوجوان، جوان و دانشجو نیز آمادگی روانی، برای پذیرش این تلقینات و تبلیغات غیرمستقیم را دارد؛ زیرا انسان، میل به آزادی افسارگسیخته و ارضای بی‌حد و مرز امیال حیوانی را دارد و به دنبال راه‌های توجیه یا به قول روان‌شناسان، مکانیزم‌های دفاعی است که از یک‌سو آنچه می‌خواهد، انجام دهد و دیگرسو، دچار عذاب وجدان هم نشود.

لازم است اساتید بزرگوار به دانشجویان خود در خلال تدریس، این قبیل موارد را یادآور شوند و تذکر دهند و اعطاء بینش در این زمینه از سوی آنها بسیار لازم است؛ چراکه گفتار و کلام استاد بر دانشجو، تأثیر بسزایی دارد و استاد می‌تواند در این خصوص، اعطاء بینش، آگاهی و یقظه و بیداری دهد. دو. خدامحوری: در باب خدامحوری، امام خامنه‌ای در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی بیان می‌دارد: ... اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله مبدأ است. مسئله توحید است؛ «أنا لله وانا اليه راجعون». مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترین در غرب متجلی است ... جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست ... وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰: بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی)

خدامحوری توسط استاد به دانشجو در خلال تدریس، از ایمان و باور به آیات الهی نشئت می‌گیرد. از این رو، نهج البلاغه، بی‌ایمانی و بی‌توجهی به دستورات دین را، عامل شکست افراد در زندگی شخصی، گمراهی گروه و فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌داند. آن حضرت به هنگام تفرقه در بین بیعت کنندگان با خود و گسترش ناامنی در شهر بصره، کوفه و دیگر شهرهای تحت فرمانروایی ایشان، می‌فرماید: «راستی، شما چه مردمی هستید؟ آیا دینی نیست که متحدتان سازد؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۰: ۴۳) و یا اینکه در مورد تأثیر بی‌ایمانی و دین‌داری در جامعه عرب جاهلی می‌فرماید: حالت هایشان مضطرب و دست‌هایشان به خلاف هم در کار و جمعیت هایشان در بلایی سخت و جهالتی استوار پراکنده بود. در زنده به گورکردن دختران و پرستیدن بتان و قطع پیوند ارحام و غارت یکدیگر، دست‌وپا می‌زدند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)

این فرمایش نهج البلاغه، گویای آن است که حداقل در دانشگاه‌های نظام جمهوری اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، ایمان و عقیده مشترک، تأمین‌کننده سرمایه اجتماعی لازم، برای تأسیس نظام سیاسی - اجتماعی باشد.

آیا در دانشگاه‌های ما، استاد و دانشجو و رؤسای آنها، متحد و در راستای بیانیه گام دوم انقلاب حرکت می‌کنند؟ آیا رؤسای دانشگاه‌ها، زمینه پاسخ‌گویی به رفع شبهات دانشجویی را فراهم می‌نمایند؟ راستی در دانشگاه‌های ما، چه کسانی رئیس هستند و مسئولیت دارند؟ آیا در حقیقت، خدامحورند؟ یا به جهت پست و مقام و ارتباط و آشنایی با این و آن، این مسئولیت را غصب نموده و دانشجو را از خدامحوری با اعمال و رفتار و گفتار خود، دور می‌کنند؟! آیا انگیزه و علاقه به کار راه، از استاد انقلابی و ولایی می‌گیرند؟ و یا استاد با اعمال و رفتار و گفتار بد آنها، زده شده و انگیزه‌ای به کار ندارد؛ چون می‌گوید پاپوش و دردسر برایم می‌شود و حامی نداشته و ندارم؟ و یا حرفی از بیانیه گام دوم انقلاب در دانشگاه، زده نمی‌شود؟! بنابراین، این تفکرات بی‌دینی و جاهلی عرب امروز در دانشگاه، که غالباً مسئولین آن میانه‌ای با دین ندارند، توجهی به خدامحوری و دین‌داری دانشجویان، یعنی همان سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی کشور، ندارند.

سه. ولایت‌مداری: از نظر شهید بهشتی، در زندگی فردی و اجتماعی، نخستین تجلی مفهوم ولایت، دوستی دو نفر انسان است که یک‌درجه بالاتر، پیوند خویشاوندی و خونی است. مانند ولایت پدر بر فرزند که بالاتر از پیوند دوستی دو انسان است. این ولایت به معنای خویشی و

خویشاوندی است: «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (احزاب / ۶). درجه بالاتر از این، ولایت اجتماعی است. یعنی داشتن سرنوشت مشترک در زندگی سیاسی، اقتصادی و نظامی. ولایت اجتماعی قبل از اسلام در چارچوب قبیله در میان عرب‌ها شدیداً وجود داشت.

با آغاز اسلام، ولایت از قبیله فراتر رفت و به جامعه اسلامی مربوط شد. تمام آیات اطیعوا الرسول مربوط به مدینه و زمانی است که رابطه میان مسلمانان و پیامبر، از حد عشق به حد پیشوایی رسید؛ پیشوایی که باید از او اطاعت کنند یعنی از ولایت به معنی «محبت صمیمی» آغاز و به «ولایت اجتماعی همراه با رهبری» پایان یافت.

بعد از رحلت رسول خدا (ص) ولایت حزبی پیش آمد و در قالب حزب سعد بن عباد، حزب ابوبکر و عمر بن خطاب و حزب علی بن ابی طالب (ع) متجلی گردید. ولایت رکن دین است. اما چه نوع ولایتی؟

اول اینکه زمامدار مسلمان‌ها کسی است که پاکان زبده را، خودبه خود به سوی خود جذب کند و در کار زمامداری امت، به حریم قوانین اسلامی و اصول اسلامی تجاوز نکند و چنین تلقی شود که او نگهبان این قانون باشد. یعنی وقتی به او نزدیک می‌شود چندان دلربا نیست، اما نزدیکی با او گستاخی نسبت به اسلام ایجاد نمی‌کند. مانند حکومت امام علی (ع) که معصوم است. دوم اینکه حکومت ابوبکر و عمر که معصوم نبودند زیدگان برجسته به‌طور خودکار به مرکز قدرت نزدیک نمی‌شدند و ناپاکان در فساد غوطه ورنند و پایه حکومت معاویه در زمان عمر در شام گذارده شد.

در درجه سوم، حکومت عثمان بود که هرچند خودش در فساد غوطه ور بود ولی نه جذبه‌های زمامداری امام علی (ع) و نه انضباط اجتماعی حکومت ابوبکر و عمر داشت. اما روابط میان او و مردم از نظر ولاء و ولایت اجتماعی به گونه‌ای بود که زمینه را برای فساد دیگران فراهم می‌کرد. نوع چهارم، حکومتی بود که علنی و با پرچم اسلام به جنگ اسلام آمد؛ آن‌هم با قرآن بر سرنیزه کردن! این حکومت معاویه است. (ر.ک: بهشتی، ۱۳۴۱: ۱۸ - ۷). علاوه بر این، کاربرد ولایت در سه جبهه جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد کبیر بدین شکل است که در «جهاد اصغر» میدان نظامی مطرح است. برای نمونه در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ایران، به حرف امام گوش گرفتند و خرمشهر آزاد و حصر آبادان شکسته شد. میدان درگیری در «جهاد اکبر»، درون آدمی است. مرز مشخص نیست و

نباید از ولی جدا شد و فقط اطاعت زبانی کافی نیست. اما در «جهاد کبیر» مرز مشخص است و حرکت دشمن براساس الگو است. در این مرحله، میدان جهاد کبیر، «سبک زندگی» است. بنابراین شیعیان به ویژه جوانان و دانشجویان باید در سبک زندگی شخصی خود، جهت رفع پاره‌ای از شبهات، از افکار موهوم و خرافه های بیهوده و زندگی مادی گرایانه و رهایی از سبک زندگی های غربی، الگوی خود را ولایت و زندگی اهل بیت (ع) قرار دهند. باید در شروع هر کاری، سراغ ولی و اهل بیت رفت نه زمانی که چاره‌ای نداشته باشند. این موارد ولایت‌مداری، اگر توسط استاد در خلال تدریس و ... به دانشجو گفته و یادآور شود، دانشجو به حقیقت، بطن و محتوای ولایت، آگاه می‌شود. البته در صورتی این کار تحقق می‌یابد که مسئولان دانشگاه، زمینه را برای استاد فراهم کنند و در عملیاتی کردن این کار، او را کمک نموده، نه سنگ‌اندازی کنند و ...؛ چراکه در حقیقت دانشجو، خیلی از مسائل ریز و دقیق ولایت را، به نحو مطلوب نمی‌داند.

۲. مؤلفه ها و شیوه های مؤثر بعد گرایشی در بیانیه گام دوم در رفع شبهات

بعد گرایشی در بیانیه گام دوم در رفع شبهات دارای شیوه‌ها و مؤلفه‌هایی، به شرح زیر است:

مفهوم	ابعاد	شيوه‌های مؤثر (مؤلفه ها)
ریشه های شبهه (موارد و اصحاب آن) و رفع آنها در بیانیه گام دوم	- کرامت انسانی - خلیفه‌ الهی انسان - معنویت‌ گرایی انسان - احساس مسئولیت انسان - امانت‌داری انسان	۱. الگودهی ۲. خلیفه‌ الهی و کرامت انسان
	- قدرت انتخاب و تصمیم‌ گیری - رهایی از شیطان درون و ستمگر برون (بصیرت) - حق و تکلیف	۳. مکلف و آزادی و مختار بودن اندیشه انسان

یک. الگودهی: در کتاب‌های لغت فارسی دهخدا و معین، معادل‌های واژه «الگو» این‌گونه آمده است: مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه؛ اما مشهورترین معادل انگلیسی آن «مدل» است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۲۱) الگو آن چیزی است که در انسان ایجاد انگیزه برای پیروی می‌کند. چنان‌که در

قرآن کریم هم از لفظ «اسوه» و الگو استفاده شده است. قرآن درباره رسول اکرم می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب / ۲۱).

از سخنان حکیم فرزانه امام خامنه‌ای نیز چنین استفاده می‌شود که الگو: یک وسیله و معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که می‌خواهد انجام [شود]، با آن «الگو» تطبیق داده شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۳۰: بیانات رهبری در دیدار با اқشار مختلف مردم، به مناسبت میلاد امام علی).

از شیوه‌های مؤثر در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم انقلاب در رفع شبهات دانشجویی، تقویت دین باوری و شیوه الگودهی است. دانشجوی درصدد یافتن الگوهای بشری است که گویای ثمره عمل به دین باشند. در شیوه الگودهی، برای نسل نو و جوان دانشجوی، ارائه آموزه‌هایی به عنوان نمونه عینی انسان دین باور، مستقیم یا غیرمستقیم، به جوان عرضه می‌شود تا جوان امکان تحقق دین‌داری و ثمرات آن را مشاهده کند و بتواند از او پیروی نماید. بنابراین، بدون مصادیق مجسم و موفق و کمال یافته، جوان منحرف شده و توجهی به نظریات ندارد؛ چراکه نظریات، انتزاعی بوده و با جهان آدمی، بی‌ارتباط است و خیلی برای آنها حائز اهمیت نیست، اما وقتی جوان یا دانشجوی، از ماهواره‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها و سکویهای مجازی و اجتماعی مانند واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام، توئیتر و امثال آن، که محتوای منفی دارند و این محتوا را به عنوان الگوی خود انتخاب کردند و با چشمان خود، آنها را ملاحظه نموده و با تفکر خود، تحلیل‌شان می‌کنند، اینها در مسیر تضعیف عقاید و باورهای دینی جوان، حرکت می‌کنند و الگوهای ضد دینی را برای جوانان و دانشجویان، در محتوای این فیلم‌ها، محبوب می‌سازند که در این موارد ذکر شده، نقش برتر، برجسته و موفق در فیلم‌ها و سریال‌های خود را، به شخصیت‌های دین ستیز می‌دهند.

افزون بر اینکه محتوای فیلم‌ها نیز چهره‌ای منفی، از الگوهای دینی ارائه می‌دهند. قرآن بر معرفی الگو، به اهل ایمان توجهی تام دارد. (احزاب / ۲۱؛ ممتحنه / ۴) و در آیات متعددی، پیامبر خود را به یادآوری الگوها دعوت می‌کند. (مریم / ۴۱، ۵۱ و ۵۶) لازم نیست، حتماً الگو در زمان ما، زنده باشد؛ چنان‌که قرآن از الگوهای یاد می‌کند که قبل از زمان پیامبر می‌زیستند. (همان) قرآن پیامبر اکرم را نیز الگوی همیشگی ذکر می‌کند که به صدر اسلام اختصاص ندارد.

از سوی دیگر، قرآن کریم در روش الگودهی، مردم را به انتخاب آگاهانه دعوت می‌کند و از پیروی کورکورانه برحذر می‌دارد. (زخرف / ۲۳) پژوهش‌های مربوط به زندگی امامان^۱ و پخش

سریال‌های میدانی در داخل کشور نشان می‌دهد که در جذب جوانان به دین، فوق‌العاده مؤثر بوده است. بدین جهت، تبیین منسجم الگوهای اسلامی و سیره عملی امامان^ع با کاربرد ابزارهای هنری، می‌تواند جامعه را در مسیر تقویت دین‌باوری، با گام‌های بلندی به پیش برد. بنابراین معرفی الگو برای دانشجو بسیار اثرگذار می‌باشد. برای نمونه فیلم محمد رسول الله^ص در اتریش، به نمایش گذاشته شد و در نتیجه، در آن سال، ۹/۰۰۰ نفر، نام فرزند خود را حمزه گذاشتند و ۴/۰۰۰ نفر نیز در آن سال، مسلمان شدند. (معرفی فیلم محمد رسول الله^ص در وین، پیام همدلی و همبستگی انسانی برای جهان، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اتریش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در خانه حکمت ایران در وین، کد خبر: ۹۰۰۱۱۰۷، تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۲۲) شناخت امام خمینی، جمع فراوانی از غیرمسلمانان را، مشتاق اسلام کرده، اسلام آوردند. پخش سریال مختارنامه نیز، بسیاری از مردم جهان را تحت تأثیر قرار داد و بیش از پنج میلیون نفر به واسطه آن شیعه شدند. (داودی، ۱۳۹۷: ش ۶، ۱۰۸) همچنین نمایش فیلم زندگی‌نامه، یکی از اولیای مذهبی مسیحیان، باعث شد ۱/۵ میلیون نفر، در آفریقا مسیحی شوند. (ساجدی، ۱۳۸۸: ۲۹۳) بنابراین معرفی الگو و الگودهی توسط استاد به دانشجو در خلال تدریس، جهت آگاهی و رفع شبهات، بسیار جذاب و ضروری بوده و می‌تواند کمکی به رفع شبهات دانشجویی بنماید.

دو. خلیفه^ع الهی و کرامت انسان: انسان دارای کرامت است؛ چراکه او، خلیفه خدا در زمین است و این مقام، منشأ کرامت ذاتی انسان است. طرد حقوق اولیه و ذاتی برای انسان، بی توجهی به منطق کرامت ذاتی اوست؛ زیرا اگر چنین مقامی (خلیفه^ع الهی) برای انسان نباشد، تفاوتی با حیوان ندارد. خداوند در این خصوص می‌فرماید: روزی که خواست او را بیافریند، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد. آنها گفتند: آیا موجودی می‌آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد ریخت؟ او گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (بقره / ۳۰). به طور کلی، اومانیسم بیش از پنج قرن است در اروپا شروع شده و وقتی نتوانستند آن را برای کشورهای اسلامی مطرح کنند، گفتند: اومانیسم، کرامت قایل شدن برای انسان است. قرآن هم برای انسان کرامت قایل است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». (اسرا / ۷۰) در نظر اومانیسم، مجازات اعدام باید به کلی لغو شود؛ چون با کرامت انسان سازگار نیست.

در اوایل انقلاب اسلامی، زمانی که قصاص مطرح شد، حقوق دانانی که بیشتر جبهه ملی و نهضت آزادی بودند، اعلامیه‌ای علیه لایحه قصاص صادر کردند و گفتند: «این قوانین غیرانسانی است و ما باید کرامت و حقوق بشر را بپذیریم». (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۶۶)

خداوند در سوره احزاب می‌فرماید: همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند؛ اما انسان، بار امانت را به دوش کشید و آن را پذیرفت! همانا او ستمگر و نادان بود. (احزاب / ۷۲). بنابراین، در «استخلاف»، با توجه به مطالب فوق، دو عنصر اساسی امانت‌داری و احساس مسئولیت، نهفته است. استخلاف، در دو مرحله صورت می‌پذیرد: مرحله نخست استخلاف «جماعت بشری صالح» است که در آیه ۵ سوره نساء، این مضمون ارائه شده که اموالتان را در اختیار سفیهان و نابخردان قرار ندهید و همین‌گونه است انواع مالکیت‌های عمومی که در اسلام مطرح شده است.

مرحله دوم استخلاف، «افراد» است که زمینه مالکیت خصوصی را فراهم می‌کند. استخلاف در این مرحله، از سوی جماعت، به افراد واگذار می‌شود. بنابراین، مالکیتی که با حقوق دیگران متعارض باشد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. (خیری، ۱۳۹۳: ۲۲۳ - ۲۲۲) بنابراین، اگر دانشجو به عنوان مثال شبیه‌ای در این زمینه داشته باشد که اگر انسان کسی را عمداً کُشت، نباید اعدام شود، چون دارای کرامت است و براساس نظر اومانیسیم، مجازات اعدام لغو شود و قوانین قصاص غیرانسانی بوده و با کرامت انسانی همخوانی ندارد و استاد نیز به شبهات او پاسخ دهد، در این صورت این کار استاد یعنی تنبّه دانشجو و آگاهی دادن به او از سوی استاد.

سه. مکلف و آزادی و مختار بودن اندیشه انسان: یکی از مزایای انسان بر دیگر حیوانات، آزادی و اختیار است. در نگاه اسلام، انسان موجودی مختار و مکلف است. در این نگاه، کسی نمی‌تواند بگوید صلاح و رفتار جامعه به من، مربوط نمی‌شود، بلکه عدالت طلب بودن شهروندان جامعه از جمله دانشجویان در دانشگاه‌ها و بصیرت آنها در امور بیرونی و اجتماعی، از الزامات است و مضمون آیات و روایات، اندیشه مختار بودن انسان را تأیید می‌کند. در برخی از آیات قرآن، به مختار بودن انسان در مورد پذیرش هدایت انبیای الهی و آزمایش انسان اشاره شده است.

خداوند در این زمینه می‌فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا*. (نساء / ۳). ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه شاکر باشد یا ناسپاس: *قُرْآنَ دَرِبَارَهٗ اِنْسَانٍ مِّیْ گَوِیْد: بَلْ یُرِیْدُ الْاِنْسَانُ لَیْفُجِّرَ اَمَامَهُ*.

(قیامت / ۵). بلکه انسان همی خواهد تا پیش رویش را بشکافد [بلکه او می‌خواهد آزادانه در تمام عمر گناه کند]. مقصود از آیه این است که گناه را جلو نینداز و توبه را به تأخیر نیفکن. بله توبه را جلو بینداز و گناه را به تأخیر بیفکن که خداوند فرموده: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ». از نظر قرآن علت اینکه مردم به معاد و زندگی پس از مرگ ایمان نمی‌آورند، میل به آزادی بی‌ضابطه است. زیرا اعتقاد به معاد در انسان، تعهد و مسئولیت ایجاد می‌کند و به زندگی‌اش، جهت و هدف می‌بخشد. و به طور کلی اصل آزادی، یعنی رهایی از اسارت نفس (شیطان درون) و اسارت ستمگر (شیطان بیرون) و سلطه بیگانه در اراده تصمیم‌گیری در امور مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. همچنین هیچ انسانی از پیش خود، بر دیگری ولایت و سلطنت ندارد. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا». (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. در اسلام جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بزرگترین شعاری است که به وسیله آن برای آزادی انسان و رهایی او از هر نوع بندگی، جز خداوند، تأکید داده است تا همه مردم حق حاکمیت داشته باشند و در برابر اداره جامعه، احساس مسئولیت کنند، به گونه‌ای که خداوند طالبوت را به‌عنوان زمامدار، بر قوم بنی‌اسرائیل براساس لیاقت، کاردانی و دانایی تعیین کرد. بنابراین، در قرآن موانع این آزادی در بعد بیرونی؛ استبداد، مستکبران و طاغوت‌ها هستند و در بعد درونی؛ خداوند سرنوشت و نعمت‌های هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان خود تغییر دهند.

۳. مؤلفه‌ها و شیوه‌های مؤثر بعد رفتاری (کنشی) در بیانیه گام دوم در رفع شبهات

مفهوم	ابعاد	شیوه‌های مؤثر (مؤلفه‌ها)
ریشه‌های شبهه (موارد و اصحاب آن) و رفع آنها در بیانیه گام دوم	- کنشی: بروز رفتارهای مطلوب و نامطلوب	۱. زمینه سازی
	- کنشی و رفتاری: پایبندی به تکالیف	۲. انذار و تبشیر در جهت تبیین کارکردهای دین
	- کنشی و رفتاری: آگاه کردن و توجه دادن، ایجاد شوق و میل	۳. تشویق و تنبیه در کارهای مختلف

<p>ارتباط و گستره آن در جهت خط انتقال معرفت به افراد شبهه گر و شبهه پذیر</p>	<p>- سواد و آموزش ارتباطی - انتقال معرفت و اقدام به اصلاح افراد شبهه گر و شبهه پذیر - ارتباط کلامی - ارتباط تصویری - ارتباط رفتاری - ارتباط نوشتاری - ارتباط گفتاری - ارتباط چهره به چهره</p>	
--	---	--

یک. زمینه سازی: یکی از روش‌هایی که در دفع شبهات، کارآیی بالایی دارد «زمینه سازی» است. زمینه سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه ای است که احتمال بروز رفتارها و حالت های مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه ای که احتمال بروز رفتارها و حالت های نامطلوب را افزایش می‌دهد. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۳۶)

در ادامه به نمونه‌هایی از شیوه زمینه‌سازی، که اهل بیت(ع) در سیره خود از آن استفاده می‌کردند اشاره می‌شود:

نمونه اول: در باب «مجالسه اهل المعاصی» از کتاب شریف کافی، احادیث متعددی در نهی از همراهی و دوستی با اهل بدع و منحرفین نقل شده است. مانند این روایت: راوی حدیث می‌گوید: از امام کاظم(ع) شنیدم که می‌فرمایند: چرا من، تو را نزد عبدالرحمن بن یعقوب دیدم. گفت: او دایی من است. امام فرمودند: او دربار خداوند، گفتار ناشایستی دارد، خدا را، وصف می‌کند درحالی که وصف نمی‌گردد، یا با ما باش و از او دوری کن و یا با او باش و از ما دوری کن. (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۳۷۵)

۱. عَنْ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) يَقُولُ مَا لِي رَأَيْتُكَ عِنْدَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَعْقُوبَ فَقَالَ: إِنَّهُ خَالِي فَقَالَ: إِنَّهُ يَقُولُ فِي اللَّهِ قَوْلًا عَظِيمًا يَصِفُ اللَّهَ وَلَا يُوصَفُ فَأَمَّا جَلَسْتَ مَعَهُ وَتَرَكْتَنَا وَإِمَّا جَلَسْتَ مَعَنَا وَتَرَكْتَهُ.

نمونه دوم: مانند این روایت: محمد بن قیس از امام باقر(ع) از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: هم‌نشینی با افراد شرور، بدگمانی به نیکان را به دنبال دارد و هم‌نشینی با نیکان، افراد شرور را به خوبان ملحق می‌کند و هم‌نشینی زشتکاران با نیکان، زشتکاران را به خوبان ملحق می‌سازد. پس هرکس، امرش بر شما مشتبه شد و از دینش آگاهی نداشتید، به هم‌نشینانش نگاه کنید، اگر اهل دیانت بودند، او هم بر دین خداست، و اگر اهل دیانت نبودند، او نیز بهره‌ای از دین ندارد. (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۳۱)

نمونه سوم: جوانان به خاطر تأثیرپذیری بیشتری که از محیط دارند، بیشتر مورد توجه شبهه‌افکنان و منحرفین بوده‌اند، از این رو، توصیه ائمه نیز به حفظ اعتقادات جوانان، شدیدتر بوده است. در روایت ذیل به «حفظ عقاید جوانان» توصیه شده است: عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمْ. (حر عاملی، ۱۴۱۲: ج ۲۱، ۴۷۷، ح ۲۷۶۳۰). امام صادق(ع) فرمودند: به جوانان خود حدیث بیاموزید قبل از اینکه گروه منحرف مرجئه، به آنها دست یابند.

نمونه چهارم: اهل بیت(ع) شیعیان را از معاشرت با مخالفان امامت بازمی‌داشتند و برای حفظ عقاید شیعیان، آنان را از معاشرت با کسانی که اعتقادات نادرست و انحرافی داشته‌اند و به عقاید شیعه دوازده امامی، توهین می‌کردند، بازمی‌داشتند. امام صادق(ع)، در این خصوص، به مفضل بن مزید که از پیروان ابوالخطاب و غالی مذهبان سخن به میان آورد، چنین سفارش می‌کند: ای مفضل: با آنان هم‌نشینی نکن و در سر یک سفره با آنان غذا مخور و با آنها دست نده و با آنان به هم‌سخنی و مبادله اخبار مپرداز. (علامه مجلسی ۱۳۹۲: ۳ / ۷۸؛ حسینی زاده و داوودی ۱۴۰۰: ۳۲۱)

نمونه دیگر آن است که به امام هادی(ع)، خبر رسید که یکی از فقهای شیعه با فردی ناصبی سخن گفته و با دلیل، او را محکوم و رسوا کرده است. آن فقیه نزد امام آمد. در صدر مجلس، جایگاه رفیعی تدارک دیده شده بود و امام کنار آن جایگاه نشسته بود و تعداد زیادی از علویان و بنی هاشم

۱. عَنْ ابْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَخْيَارِ تُلْحِقُ الْأَشْرَارَ بِالْأَخْيَارِ وَ مُجَالَسَةُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ تُلْحِقُ الْأَبْرَارَ بِالْفُجَّارِ فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ | كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤَاخِنُ كَافِرًا وَ لَا يُخَالِطُنْ فَاجِرًا وَ مَنْ آخَى كَافِرًا أَوْ خَالَطَ فَاجِرًا كَانَ كَافِرًا فَاجِرًا.

۲. مُرَجَّه، گروهی ضد شیعه بودند که جایگاه امام علی(ع) را در مقامی، نازل قرار می‌دادند.

نیز در آن مجلس حضور داشتند. امام، آن فقیه را بالا برد تا در صدر مجلس در جایگاه مخصوص نشاند. حاضران در مجلس به امام اعتراض کردند که این‌گونه، یک فرد عادی را بر سادات هاشمی - اعم از فرزندان ابوطالب و عباس - ترجیح می‌دهی؟ ... امام فرمود: اینکه این فرد توانسته با ادله ای که خدا به او آموخت، آن ناصبی را شکست دهد، از هرگونه شرافت نسبی، برتر است. (همان‌دو، حسینی‌زاده و داوودی ۱۴۰۰: ۳۲۳) بنابراین، دو نکته تربیتی مهم در اینجا وجود دارد:

نخست آنکه اهل بیت(ع)، به شبهات مربوط به اعتقادات شیعیان اهمیت می‌دادند؛ زیرا شبهه، خطرناک‌ترین دشمن اعتقاد است. و اعتقاد تا وقتی مستحکم است که تردیدی در درستی آن، و در ذهن صاحب عقیده راه نیافته باشد؛ اما وقتی تردید و شک، در ذهن او راه یافت، بنای عقیده و باور، به‌راحتی ضعیف می‌شود و از بین رفته و فرو می‌ریزد.

دوم آنکه اهل بیت(ع)، طی شبهات را، با منطوق و عقل جواب داده و از میان می‌بردند، نه با زور؛ چون اعتقاد و معرفت مانند رفتارهای ظاهری مانند غذا خوردن یا سخن گفتن نیست بلکه تنها از راه دانش و علم و استدلال است که تأثیر بر معرفت و باور و اعتقاد دارد و آنها را می‌پذیرد.

بنابراین، باید جهت رفع شبهات دانشجویی در بیانیه گام دوم انقلاب، هم اساتید درکلاس درس و هم رؤسا و مسئولین دانشگاه‌ها، زمینه رفع شبهات را برای دانشجویان فراهم نموده و از محضر اساتید گران‌قدر بهره‌مند گردند تا اساتید از طریق بُعد رفتاری و کنشی، در دفع شبهات آنها برآمده و با تمام کوشش‌هایی که دشمنان برای انحراف عقاید و باورهای جوانان به کار برد هاند، با زمینه سازی مناسب، خیلی از شبهات را پاسخ داد و دفع شبهه از دانشجو نمود.

دو. انذار و تبشیر در جهت تبیین کارکردهای دین: انذار، به معنای خبردادنی است که به دنبال آن ترس باشد؛ چنان‌که تبشیر نیز نوعی آگاهی‌بخشی است که فرد را خوشحال کند. کلمه «الإنذار»: «[هو] إخبارٌ فیه تخويف كما أنَّ التَّبشیر إخبار فیه. (راغب، ۱۳۲۲: ج ۶، ماده الإنذار).

از آنجا که دین باوری، پابندی به تکالیف، محدودیت‌هایی را در پی دارد، لازم است با روش‌هایی از جمله انذار و تبشیر، تحمل این تلخی را بر جوان دانشجو آسان کنیم. انذار او را از خطر بالاتری می‌ترساند که عدم تحمل این سختی، وی را با زجر بیشتری مواجه خواهد ساخت. بشارت دادن جوان دانشجو، به دریافت عطایا نیز رغبت او را برمی‌انگیزد و وی را به نتایج امیدوار می‌سازد که نصیب او خواهد شد. در نتیجه، جوان آماده پذیرش تکلیف می‌شود. از این‌روست که قرآن، پیامبران

خود را بشیر و نذیر نامیده است. برای انذار و تبشیر، توجه به کارکردهای دنیوی و اخروی، اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه، بیش از هر زمان دیگری، کارکردهای دین، مورد توجه محافل علمی است. دانشمندان متعددی به این امر اعتراف کرده، در پی فهم زوایای جدید فردی و اجتماعی دین، به ویژه اسلام برآمده‌اند. تبیین کارکردهای دین، نیاز به آن را برای جوانان ملموس می‌سازد و رنگ عملی و عینی به رخسار دین می‌زند.

در آموزش دینی دانشجویان و جوانان، توجه به تبیین این موضوعات با استناد به آیات و روایات و افزودن دیدگاه دانشمندان، بسیار کارساز است. از جمله شیوه‌های مؤثری که قرآن نیز برای هدایت به کارگرفته، توجه دادن مؤمنان به کارکردهای دین است. قرآن بیش از آنکه به زبان دستوری سخن بگوید، به زبان فطری و اقناع‌کننده سخن می‌گوید. برای نمونه، برخی آیات قرآن به نقش یاد خدا در ایجاد اطمینان قلبی، و برخی نیز به تأثیر عبادت در تزکیه و پاکی نفس اشاره دارند. (رعد / ۲۸؛ بقره / ۲۱) در بعضی آیات دیگر، این اثر به مصادیق عبادات، نسبت داده شده است. برای نمونه، قرآن اثر روزه ماه رمضان را تزکیه نفس و تقوایشگی قلمداد می‌کند. (بقره / ۱۸۳) در جای دیگر، خداوند اثر اقامه نماز را، زدودن زشتی‌ها و انحرافات اخلاقی و اجتماعی ذکر کرده است. (عنکبوت / ۴۵) آیاتی که به فلسفه احکام اشاره دارند نیز غالباً دربردارنده کارکردهای فردی و اجتماعی دین هستند. در این آیات، حکمت وضع احکام، آثار و کارکردهای مترتب بر آنها ذکر شده است. (ساجدی، ۱۳۸۸: ۱۶۸ - ۱۵۸) سه. تشویق و تنبیه در امورات مختلف: تشویق، در لغت به معنای ایجاد شوق و میل، و تنبیه، به معنای آگاه کردن و توجه‌دادن است. تنبیه، مصدر باب تفعیل و در لغت، معادل بیدار یا آگاه کردن است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ج ۲، واژه تنبیه)

لازم است، به رابطه انذار و تبشیر با تشویق و تنبیه توجه داشته باشیم. غالباً تبشیر با تشویق، و انذار با تنبیه مشتبّه می‌شود، درحالی‌که متفاوت از یکدیگرند. تبشیر و انذار، پیش از عمل یا همراه عمل است، اما تشویق و تنبیه، پس از عمل است. قبل از تحقق نتیجه، جای تبشیر و انذار، و بعد از آن، جای تشویق و تنبیه است. بنابراین، برای تقویت دین باوری در جوانان و دانشجویان، باید از هر دو استفاده شود؛ قبل و بعد از عمل. کاربست شایسته این شیوه و روش، در رشد دین باوری جوانان تأثیر قابل توجهی دارد. هدف از تشویق و تنبیه، تکرار، استمرار و تثبیت رفتار دین مدارانه در دانشجو و جوان است.

نکته دیگر اینکه، اثر تشویق و تنبیه، بیش از انذار و تبشیر است. از سوی دیگر، آنکه انذار و تبشیر در او اثربخش است، استعداد بیشتری برای رشد دین‌داری و پختگی دارد؛ زیرا حرکت با تبشیر و انذار، مستلزم نوعی آینده‌نگری و کنترل نفس قبل از مشاهده نتیجه است. پس، برای سنین پایین‌تر که رشد شناختی کمتری دارند، تشویق و تنبیه، کاربرد و اثر بیشتری دارد. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۷۰)

چهار. ارتباط و گستره آن در جهت خط انتقال معرفت به افراد شبهه‌گر و شبهه‌پذیر: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در دنیای معاصر، چگونگی برقراری ارتباط است. انسان، نیازمند «سواد و آموزش ارتباطی» است تا بتواند به نحو مطلوب، با دیگران ارتباط برقرار کند. (درستی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۳) معانی و تعاریف مختلفی برای ارتباط وجود دارد.

در مجموع معنای ارتباط، انتقال اطلاعات یا تبادل احساسات با دیگران از طریق کلام، رفتار، نگارش و علائم است. ارتباط، مهارتی است آموختنی که کسب آن، نیازمند اطلاعات، تمرین و کاربرد شیوه‌های درست است. ارتباط صحیح و سنجیده، ضامن سلامت افراد جامعه است و ارتباط‌های ضعیف و نادرست موجب فقدان اشتیاق در کار، احساس بی‌کفایتی، ناامیدی، و درنهایت مانع تحقق اهداف عالی و آرمانی خواهد بود. (خنیفر و پورحسینی: ۱۳۸۵: ۱۲۳ - ۱۲۲) خط انتقال معرفت و اقدام به اصلاح افراد شبهه‌گر و شبهه‌پذیر، در قرآن نیز از طریق ارتباط صورت گرفته است. اگر به جای ارتباط با شبهه‌به‌طور مطلق، ارتباط با وی قطع شود، اصولاً زمینه‌ای برای انتقال معرفت به وجود نخواهد آمد. تعامل با مخاطب مستفهم، پرسشگر، یا طراح شبهه و شبهه‌گر، یا حامل شبهه، سنگ بنای برقراری خط اثرگذاری بر وی است. از این‌رو چنانچه شبهه‌گر، معاند باشد نحوه ارتباط با او و با کسی که مستفهم است، اساساً متفاوت است.

حاصل سخن اینکه مقصود از ارتباط در پژوهش حاضر، تمام اقداماتی است که از جانب خدای متعال در مواجهه با شبهه‌گران صورت گرفته است. فعل الهی، امر یا هر فعل دیگری که خداوند متعال آن را در قرآن تأیید فرموده است. بنابراین، هنگامی که از روش ارتباط قرآن با شبهه‌گران و شبهه‌افکنان سخن گفته می‌شود، درحقیقت در مقام کشف انواع ارتباط با اصحاب شبهه اعم از شبهه‌افکنان، شبهه‌گران، شبهه‌پذیران یا حاملان شبهه در قرآن هستیم که قرآن آن را تأیید نموده یا آن را بیان فرموده و رد نکرده است.

و اما گستره ارتباطات یعنی تحلیل گزاره‌های حاوی ارتباط با شبهه گران، مبین این حقیقت است که پیام‌ها و تعالیم خداوند متعال، محدود به اوامر و نواهی نیست و متناسب با مخاطب از گستره‌ای بسیار وسیع‌تر برخوردار است. ارتباط‌های قرآنی شامل طیف وسیعی از انواع اطلاع‌رسانی‌ها، هشدارها و اقدام‌هاست. عناصر ارتباطی در نحوه پاسخ‌دهی، حالت و ساختار پاسخ، قابل مشاهده است. عناصر ارتباط، از دو گروه کلی، استخراج می‌شوند:

۱. عناصری که ناظر بر مقدمات دستگاه استدلالی شبهه‌گرند و به نقض یا حل شبهه با گفتار می‌پردازند.
۲. عملکرد و رفتار صورت گرفته و گزارش شده در قرآن، که متناسب با مخاطب و عوامل پیرامونی شکل گرفته است.

عناصرگفتاری، درصدد مجاب کردن و اقناع ذهنی مخاطب می‌باشند. همراهی گفتار با عناصر ارتباطی که فراتر از گزاره‌های نقض یا حل شبهه هستند با هدف اثرگذاری غیرمستقیم بر شخصیت شبهه‌گر یا سایر موارد شبهه و اصحاب آن، صورت می‌گیرد تا تأثیر گفتار را مضاعف نموده، علاوه بر دفع و رفع شبهه، مانع انتشار آن در قلب و فکر مخاطبان می‌گردد.

چالش‌های عملیاتی شدن بیانیه گام دوم انقلاب در رفع شبهات دانشجویی

برای اجرایی شدن بیانیه گام دوم انقلاب در رفع شبهات دانشجویی، چالش‌های بینشی، گرایشی، کنشی وجود دارد اما به دلیل گستردگی بحث - که از ظرفیت این مقاله خارج است - چند مورد از آنها را به صورت مختصر تشریح می‌کنیم.

۱. تهاجم فرهنگی در تقابل با معنویات مردم، جهت منهدم شدن ایمان‌ها و معرفت‌های معنوی از زندگی: یکی از آسیب‌های سبک زندگی جدید شهری در ایران، حذف معنویت از زندگی شهروندان و دلخوش نمودن آنها به برخی عرفان‌های کاذب و یا آیین‌های غربی و شرقی است. از دهه ۷۰ شمسی خانواده‌های ایرانی، در معرض تهاجمی قرار گرفتند که رهبری آن را «تهاجم فرهنگی» خواندند. جدی گرفته نشدن این تهدید از سوی برخی مسئولان و عدم فهم صحیح آن توسط گروهی از خانواده‌ها، سبب گردید تا دشمنان انقلاب این نوع تهاجم را برخلاف تهاجم فیزیکی، بسیار مؤثر ارزیابی کنند. از این‌رو در دهه ۸۰، آن را در قالب جنگ نرم بازسازی کرده و به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند، علیه ایران به‌کار بستند. رهبر انقلاب در تشریح این استراتژی دشمن این‌گونه می‌فرماید:

امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست، نمی‌گوئیم به کلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست ... در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند ... (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲: بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان).

با وجود هشدار فوق، باید اقرار نمود بخشی از خانواده‌های ایرانی، اکنون در این دام اسیر گشته‌اند. امام خامنه‌ای در تشریح وظیفه سنگین اهالی فرهنگ و هنر در مبارزه با جنگ نرم و توقف روند فوق می‌فرماید: یک انسان هنری و فرهنگی، وظیفه سنگین و خطیر بازگویی حقیقت و «تبیین و تبلیغ» را برعهده دارد و باید برای درک حقیقت، تلاش و مجاهدت کند؛ چراکه در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه و اطراف آن و تشخیص «مهاجم و مدافع» و «دوست و دشمن» دشوار است. در این جنگ نرم، وظیفه مجموعه فرهنگی این است که هنر را تمام عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۴/۶: بیانات رهبری در دیدار جمعی از شعرا، فرهیختگان و اهالی فرهنگ).

قطعاً وقتی معنویت از جامعه رخت بریندد در دانشگاه هم رخت خواهد بست و دانشجو دیگر رنگ معنوی و خدایی به خود ندارد و کارش فقط می‌شود شبهه. چون معنویت در دانشگاه تعطیل شده یا بشدت کم‌رنگ شده است که همین باعث می‌شود مفاسد اخلاقی نیز رشد بیشتری پیدا کند و بخشی از مشکلات پیش روی دانشگاه‌ها به ویژه شبهات امروزی دانشجویان در دانشگاه و همچنین برای پیشگیری از بی‌حجابی و فحشاء، ناشی از کم‌رنگ شدن معنویت در میان خانواده‌های ایرانی است. از سوی دیگر، وقتی جوان یا دانشجو، از ماهواره‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و سکوه‌های مجازی و اجتماعی مانند واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام و توئیتر و امثال آن، که محتوای منفی دارند و این محتوا را به عنوان الگوی خود انتخاب کردند و با چشمان خود محتوای منفی را ملاحظه کردند و با تفکر خود، تحلیل‌شان می‌کنند، اینها در مسیر تضعیف معنویت مردم و تقابل با دین و عقاید و باورهای دینی جوان و دانشجو، حرکت می‌کنند و الگوهای ضد دین را، در قالب محتوای این فیلم‌ها، محبوب

می‌سازند که در این موارد ذکر شده، نقش برتر، برجسته و موفق در فیلم‌ها و سریال‌های خود را، به شخصیت‌های دین ستیز می‌دهند. و این، یک نوع تهاجم فرهنگی بسیار حساب شده ای است که در تقابل با معنویات مردم، جهت منهدم کردن ایمان‌ها و معرفت‌های معنوی از زندگی مردم می‌باشد. افزون بر اینکه محتوای فیلم‌ها نیز در این ماهواره‌ها و شبکه‌ها، چهره‌ای منفی، از الگوهای دینی ارائه می‌دهند و تلقین این شبهات و خرافه انگاری دین در ماهواره‌ها، به شکل‌های مختلفی انجام می‌شود: گاه مستقیم توسط مجری یا کارشناس مطرح می‌شود؛ گاه از طریق گفت‌وگو با جوان، نوجوان، دانشجو و مردمی که اعتقاد به دین ندارند، بیان می‌شود؛ گاه توسط بازیگران فیلم‌ها، در حین فیلم یا سریال، توسط چهره محبوب و مثبت فیلم، تلقین می‌شود؛ گاه نیز به وسیله سایر چهره‌هایی که توسط تلویزیون محبوب می‌گردند. مانند پزشک، کارشناس و یا ورزشکار القاء می‌شود. و اینها یک تهدید و خطر جدی است و باید در این زمینه، به جد چاره‌اندیشی کرد.

۲. حاکم شدن منطق سودپرستی و ثروت اندوزی و سبک زندگی غربی و کم‌رنگ شدن اخلاق در جامعه: نگاهی به سبک زندگی کنونی در جامعه، گویای این واقعیت است که انسان‌ها به شکلی با یکدیگر برخورد می‌کنند. گویا اینکه آنها هیچ قرابتی با یکدیگر ندارند و فرزندان حضرت آدم و برادر یکدیگر نیستند. متأسفانه حاکم شدن منطق سودپرستی و ثروت‌اندوزی بر جامعه بسیاری از اخلاقیات را از میان برده و جای آن را آموزه‌های لیبرالیسم گرفته است. مهم‌ترین شاخصه نظام لیبرال، اهتمام به «مالکیت خصوصی» است. بر این اساس، افراد حق دارند مالک دارایی‌ها و ثروت‌ها و عوامل تولید باشند؛ آنها را مورد استفاده و کنترل قرار دهند؛ در معرض خرید و فروش قرار دهند؛ به شکل هدیه به کار برند و یا به ارث بگذارند. در این سیستم مردم غنی، روزبه روز غنی تر و فقیران نیز فقیرتر می‌شوند. این افراد به خاطر منافع شخصی و نه برای منافع جامعه به شغل کشاورزی، تجارت و صنعت روی می‌آورند. نتیجه این حالت، به وجود آمدن قطب‌هایی از سرمایه داران قوی و زمین داران غنی می‌شود. براساس این منطق، انسان‌ها به جای کمک به یکدیگر در شریط سخت و دشوار، می‌کوشند تا به راه‌هایی که می‌توان از طریق آن سود بیشتری بدست آورد، توجه نمایند. اگر نگاهی به حیات ائمه معصوم(ع) و سبک زندگی آنان بیندازیم، میزان فاصله ایجاد شده در اخلاقیات و منطق را، بین رفتارهایمان در شرایط سخت زندگی، به خوبی به نمایش می‌گذارند که چه کاری

باید کرد و از کدام اخلاق و روش زندگی ائمه(ع)، باید پیروی نمود تا سود بهتری برای خود و هم‌نوعان خود داشته باشد.

برای نمونه اگر در شرایط سخت و دشوار زندگی برای برخی از مردم، مشکلاتی پیش می‌آید، ریش سفیدان و بزرگان، به کمک آنها می‌رفتند تا بتوانند پاره ای از مشکلاتشان را حل کنند. اما در فضای زندگی جامعه امروزی، اگر کسی در شرایط سخت و دشوار زندگی، قرار گیرد معمولاً مردم به مشکلات آنها بی تفاوت بوده، شکاف طبقاتی به وجود می‌آید. از سوی دیگر، بخشی از نسل جدید به ویژه جوانان و دانشجویان، در صدد کسب راه‌های کم‌زحمت، برای کسب درآمد برمی‌آیند. جرایم مختلف اینترنتی، کلاه برداری‌ها، قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و مانند آنها، برخی از مشکلاتی هستند که متأثر از سبک زندگی غربی در جامعه ایران در حال شیوع پیدا کردن هستند. حال آنکه شواهد تاریخی گویای آن است که در فرهنگ ایرانی و اسلامی و زندگی گذشته ایرانیان، دزدی، کلاه برداری و خرید و فروش مواد مخدر، به قدری زشت و غیرقابل پذیرش بوده است که مرتکبین آن، از سوی جامعه طرد می‌شدند.

۳. مدیریت افکار عمومی در درون بدنه جامعه هدف به کمک جنگ نرم دشمن: جنگ نرم دشمن در واقع به معنی توسل به مجموعه منابع نرمی است که بدون هرگونه درگیری نظامی، زمینه غلبه بر جامعه و گروه هدف را فراهم می‌آورد و از نوعی قدرت اقماعی بالا برخوردار است. جنگ روانی، جذب نخبگان، دامن زدن به نارضایتی‌ها، جنگ رایانه‌ای و اینترنتی، براندازی نرم، راه اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، اعتمادزدایی و شبکه سازی، تنها بخشی از صورت‌های جنگ نرم هستند. در جنگ نرم، نیروهای مورد نیاز - اعم از سربازان و فرماندهان - از درون جامعه هدف به خدمت گرفته می‌شوند و طراحان و برنامه ریزان جنگ نرم در پشت صحنه، هدایت جنگ نرم را برعهده دارند. در واقع دشمن، می‌کوشد تا از عناصر خودی به نفع خود بهره برد و کمترین هزینه و خسارت را متوجه خود کند. (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۳ - ۶۲)

هدف اولیه مدیریت افکار عمومی و جهت گیری‌های مورد نیاز، در درون بدنه جامعه هدف قرار دارد و عمده هزینه و تلفات بر دوش نیروهای داخلی قرار می‌گیرد که خواسته یا ناخواسته در حکم سربازان دشمن وارد میدان می‌شوند. در جنگ نرم، پیش از همه، ابزارهای فرهنگی، فکری، اندیشه‌ای و رفتاری همانند دانشگاه، رسانه، نخبگان و شبکه‌ها و دانشجویان نقش ایفا می‌کنند. در این راستا

وقتی دشمن، علیه انقلاب اسلامی از طریق جنگ سخت، نافرجام ماند، ناگزیر جنگ نرم را مورد توجه قرار داد و هدف اصلی در این جنگ، مقابله با عناصر و مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی است. به طور دقیق، این هدف بر عوامل موفقیت انقلاب اسلامی در مبارزه با رژیم پهلوی و دشمنان خارجی در دفاع مقدس متمرکز است. بنابراین تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم، درصدد خالی کردن انقلاب از مضمون اسلامی و دینی و از روح انقلابی خود است. به طور کلی، جنگ نرم در بعد داخلی از تاکتیک های متنوعی همچون نافرمانی مدنی، اختلاف افکنی، مشروعیت زدایی، بی اعتبارسازی، ایجاد نارضایتی، القای یأس و وحشت، و از بحرانی جلوه دادن کشور، در دوره های مختلف استفاده می کند و در بعد بین المللی، هدف جنگ نرم، اجماع سازی جهانی و تحریم های مختلف علیه ایران است.

۴. غفلت از تفکر اسلامی در بعد اقتصادی و اتخاذ رویکرد لیبرالیستی به سمت اشرافی گری: با پیروزی انقلاب اسلامی گرچه از بعد نظری، فکری و فلسفی، پیوند دین و سیاست و نفی سکولاریسم ترسیم و تبیین شده، اما در سطح عملی و رفتاری نتوانسته ایم بین دین و سیاست پیوند برقرار کنیم. بنابراین اقتصاد لیبرالی، سلطه بی هویت را گسترش می دهد و فساد، فقر و تبعیض را ایجاد می کند و القاء ناکارآمدی نظام و دانشگاه مطرح می شود و در بعد فرهنگی، سیستم علمی و آموزشی کشور را به سمت سکولاریسم (سند ۲۰۳۰) حرکت می دهد. همچنین در حوزه رفتاری، منهای دین عمل می کنیم و سبک زندگی در جامعه، اسلامی - ایرانی نیست و در مهمانی ها، پوشش، دخل و خرج، معماری دین را دخالت نمی دهیم. به طور کلی در اقتصاد لیبرالیسم (اقتدار بی هویت) که در نیمه قرن بیستم، خصوصیت خود را تغییر داد، کسی یا چیزی آمر نیست، نه شخص، نه فکر و نه قانون اخلاقی؛ بلکه مرجع قدرت سود، الزامات اقتصادی، بازار، افکار عمومی، طرز فکر و محسوسات شخصی است و قانون این اقتدار نامرئی است. مادام که اقتدار فاحش وجود داشت ترمرد و گردن کشی در برابر اقتدار، غیر منطقی دیده می شد ... زیرا من شکست خورده بودم. ولی اگر از تسلیم و ترمرد آگاه نباشم، اگر زیر فرمان یک مرجع قدرت بی نام و نشان باشم معنای «خود» را از دست می دهم و جزئی از «آن» می شوم. (جهان بزرگی، ۱۳۷۸: ۱۸۰)

در دستگاه طاغوتی، ارزش هایی برخلاف ارزش های توحیدی عرضه می دارند که احکام، قوانین و اوامرشان غیر از احکام، قوانین، اوامر و نواهی الهی است. اما مطابق باور اسلامی اموری چون چپاول

و تکاثر، مطرود دانسته شده اند و در اندیشه حضرت امام+ و مقام معظم رهبری نیز موکد توجه خاص ایشان به استراتژی استضعاف زدایی می‌باشد. ولی غفلت از اندیشه و تفکر اسلامی در بعد اقتصادی و اتخاذ رویکرد لیبرالیستی جامعه ایران را متحمل هزینه‌هایی نموده که از جمله آنها می‌توان به عدم تحقق عدالت و توزیع نامتوازن درآمدها اشاره نمود. در این راستا، سکولاریسم ساختاری و رفتاری، در نظام جمهوری اسلامی نفوذ کرده است و اشرافی‌گری در عرصه‌های مختلف، و در جامعه به طور عام و در دانشگاه‌ها به طور خاص را، با چالش روبه‌رو کرده است. بنابراین اگر دانشگاه می‌خواهد برای رشد، تکامل و تعالی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی کند و مدل اقتصادی را، اقتصاد مقاومتی و مردمی کند، اصالتاً باید به ابعاد روحانی وجود بشر و به ستون فقرات اقتصاد مقاومتی یعنی دین توجه نمود و در مرحله اول، موانعی را که در راه تعالی روحانی بشر به سوی خدا را، سد کرده اند، از سر راه بردارد. از جمله این موانع، «اشرافی‌گری و اقتدار بی‌هویت» است. در این راستا، روحیه انقلابی‌گری و مدیریت جهادی ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث یادشده، نتایج تحقیق را می‌توان در قالب نکات زیر خلاصه کرد:

۱. جهان مدرن امروز، جوان و دانشجو را با شبهات و پرسش‌های بسیاری درباره دین، مواجه ساخته است. ازطرفی، پیشرفت‌های صنعتی و تمدن مادی در مغرب‌زمین، نظریات مادی‌انگاران اندیشمندان غربی، عقب ماندگی تاریخی مسلمانان، ترجمه گسترده این اندیشه‌ها در کشورهای اسلامی، به ویژه ایران و نیز رشد نویسندگان غرب‌زده، از جمله شیوه‌ها و عواملی است که در بحران فکری جوانان و دانشجویان، اثرگذار بوده است، که باید در عملیاتی‌سازی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها و جامعه به آن توجه ویژه کرد.

۲. نگرش خرافاتی به دین، نگاه مادی به جهان و پذیرش اجمالی آن در بین جمع کثیری از جوانان، دانشجویان و حتی عامه مردم، باعث شده که اعتقادات اسلامی و تقویت دین باوری آنان، ضعیف یا کمرنگ شود. و این بر اثر همان هجمه‌های فکری و خرافاتی و نگاه مادی‌گری است، که به تدریج نگرش آنها را به دین اسلام تغییر می‌دهد و باید به جد در این خصوص در عملیاتی‌سازی بیانیه گام دوم، چاره‌اندیشی نمود.

۳. شبهات در فضاهاى مجازى، ماهواره ها و سکوهاى اجتماعى مانند اينستاگرام، تلگرام، واتس‌آپ، و فضاهاى ايترنى، التزام جوان و دانشجو و حتى مردم را، به اعتقادات و باور دينى، ملازم با افسردگى و دل‌مردگى مى‌پندارند و دين را به گونه‌اى برايشان تصوير مى‌کنند که گویى متدين واقعى، ستمگرى ظالم، خشن، تک‌بُعدى، تمامیت خواه، سلطه جو و مروج خشم و نفرت، قهر و خشونت و يا قتل و غارت است. بايد در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامى، در عمل، به اين مسائل عنايت ویژه داشت.

۴. از عوامل اصلى شبهات در مقابل هجمه‌هاى فکرى، اعتقادى براى نسل دانشجو، جوانان و مردم، ضعف باورها و اعتقادات اسلامى در آنهاست؛ چراکه جهل به دين دارند و اغلب رفتارها، عقايد، باورها، نگرش‌ها و جهت‌گيرى‌هاى نسنجیده و نادرست افراد، در نادانى و کم‌اطلاعى آنها ريشه دارد و اين يکى از مهم‌ترين عوامل اصلى و اساسى است که در مقابل هجمه‌هاى فکرى و اعتقادى دشمنان، سست شده و يا گرفتار آنها خواهند شد و يا به انحراف کشيده خواهند شد.

۵. استاد بايد در کلاس درس و غير آن در مقابل هجمه‌هاى فکرى و اعتقادى دانشجو در خصوص مواجهه با شبهات، زمينه پرسشگرى را، براى دانشجو فراهم نمايد تا دانشجو بدون واهمه بپرسد و سؤالات خود را ارائه نمايد و استاد نيز بايد با اعطاء بينش صحيح به او و با يافتن پاسخ مناسب به دانشجو، ضعف باورهاى دينى آنان را در مقابل شبهات، برطرف نمايد.

مؤثرترين شيوه در رفع شبهه، به ویژه در مسير دين باورى براى دانشجو و غير آن، اعطاء بينش است و اين، امرى است پسندیده، که اقتضاى روحيه آنان و پلکان ترقى دانشجو، در عملیاتی سازی بیانیه گام دوم انقلاب است؛ اما باقى ماندن عقايد شبهه‌زا و تفکر نادرست براى دانشجو در شبهات دينى، او را از حرکت در مسير الهى و دنبال کردن و طى نمودن مسير خداوند و اهل بيت^ع، باز مى‌دارد.

۶. بايد دشمنان دين و عقايد و باورهاى اسلام را، به جوانان و نوجوانان معرفى نمود و در فضاهاى مجازى و شبکه‌هاى ماهواره‌اى، تأثيرگذارى منفى آنها را در ابعاد مختلف بر سبک زندگى‌هاى مردم و جوانان، معرفى کرد و همچنين عملکرد گذشته و حال دشمنان اسلام و شيعه را هم به آنان گوشزد و آنها را بيدار نمود.

بنابراين، حضور شبکه‌هاى ماهواره‌اى در خانه‌ها، که به طور مستقيم و غيرمستقيم، باورها، عقايد، نگرش و تفکر اسلامى جوانان و دانشجويان را، به وسيله شبهات گوناگون، آماج حمله خويش قرار

داده، باید خانواده‌ها و جوانان را مورد آگاهی و بیداری قرار داد؛ چراکه کانال‌های ماهواره‌ای مانند: من و تو، فارسی‌وان و بی بی سی فارسی، با نقشه‌هایی دقیق و سازنده، راه تخریب بنیان‌های دینی جوانان و دانشجویان را، به وسیله ماهواره‌های خود، به پیش گرفته‌اند و با روش‌های جذاب و مختلف مانند تبلیغ سبک زندگی غربی، تقویت گرایش به غرب، تلقین خرافه‌انگاری دین و ضد پیشرفت و تمدن بودن آن و نیز شکستن نگاه تقدس‌گرا، به آموزه‌های دین، این هدف را دنبال می‌کنند.

فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه مشکینی).
- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی).
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۳۶۳). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷). صفات شیعه، ترجمه و تحقیق لطیف راشدی و سعید راشدی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: دفتر انتشارات و فناوری آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). روش‌شناسی علم کلام، قم: دارالحدیث.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸). اصول سیاست و حکومت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حسینی زاده، سید علی و محمد داوودی (۱۳۹۸). سیره تربیتی پیامبر و اهل‌البیت (ع)، تهران: سمت.
- حسینی بهشتی، محمد (۱۳۴۱). ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: شرکت سهامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰). پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد، ۱۳۸۰/۶/۱۰.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱). بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امام علی (ع)، ۱۳۸۱/۶/۳۰.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۸/۷/۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). بیانات رهبری در دیدار جمعی از شعرا، فرهیختگان و اهالی فرهنگ، ۱۳۸۸/۱۴/۶.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). سخنان رهبری در خصوص دانش بنیان بودن اقتصاد، ۱۳۹۴/۴/۸.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. www.farsi.khamenei.ir
- خیری، حسن (۱۳۹۳). مبانی نظام اجتماعی اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خنیفر، حسین و مژده پورحسینی (۱۳۸۵). مهارت‌های زندگی، قم: مرکز نشر هاجر.

- ده خدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، به کوشش ستوده و دیگران، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۲۲). المفردات فی غریب القرآن، ترجمه محمد سیدگیلانی، تهران و بیروت: دارالمعرفه.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۸). دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟ قرآن و نظام تربیتی نسل نو، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۴). الگوی فرهنگ دفاع مقدس، تهران: مکعب.
- شعیری، تاج‌الدین محمد (۱۳۹۲). جامع الأخبار، نجف اشرف - عراق: المطبعة الحیدریه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی، جلد ۲، باب کذب، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۲). بحار الأنوار، ج ۱، ترجمه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران: تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۸). انقلاب اسلامی در بوته آزمون؛ جنگ نرم بیست‌ساله و فتنه ۸۸، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم: صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). جستارهایی در فلسفه علوم انسانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.